

پاسخنامه آزمون معماری اسلامی

تنها بخش هایی که زیر آن خط کشیده شده برای پاسخ کافی ست.

1. از سمت راست به ترتیب رون راسته، رون اصفهانی و رون کرمانی.



رون راسته: خانه در راستای شمال شرقی - جنوبی غربی قرار می گیرد. مانند: تهران، جهرم و تبریز

رون اصفهانی: این رون در راستای شمال غربی - جنوب شرقی قرار می گیرد. مانند: اصفهان، تخت جمشید و استخر.

رون کرمانی: این رون در راستای شرقی - غربی می باشد. شهرهای کرمان، همدان، آبادیهای آذربایجان غربی، خوی و...

2. گنبد جداه ایست که رو به آسمان دارد و در معرض ریزش های جوی، باد و نور خورشید قرار گرفته است. علاوه بر این سطح گنبدها معمولاً از داخل شهر دیده می شود بنابراین نیاز است این جداه سالم باقی بماند. بنابراین بهره بردن از اندودی مانند کاشی کاری همچنان که رنگ زیبایی به گنبد می دهد آن را از آثار ریزش های جوی حفظ کرده و از نفوذ آب به آن جلوگیری می کند، افزون بر اینکه با این عمل گنبد کاشی کاری شده در برابر سایر جداه های یکدست چینه ای، خشتی و آجری شاخص شده و محل گنبد در شهر قابل تشخیص است.

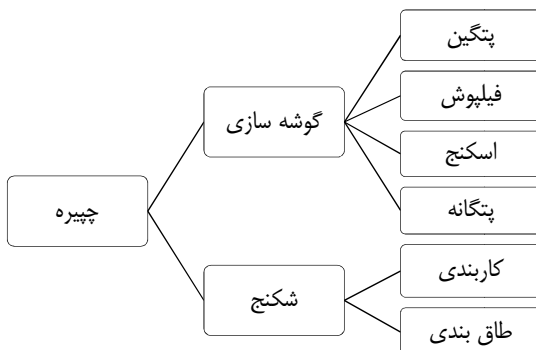
با وجود این کاشی کاری گنبد ها به تدریج تخریب شده و نیاز به تعمیرات دارد و از آنجا که پخت دوباره کاشی رنگی درست همانند کاشی نخستین نخواهد داد و قدری تفاوت در آنها وجود دارد، لزوم وجود نقش و نگار و کاشی کاری معرق نیز در گنبد روشن می گردد.

گچ کاری نیز در آسمانه های بلند علاوه بر اینکه بر زیبایی فضا می افزاید ترک های سطح گچ را نیز به سمت شیارها هدایت کرده و همچنین خود گچ و چین و شکن آن در کاهش صدا در داخل گنبدخانه ها و مقصوره های بلند موثر است.

در ارسی ها به دلیل فراخ شدن دهانه پنجره و مشکل باربری دیوار روی آن پنجره ها معمولاً تا نزدیک بام ادامه می یابند تا بار روی پنجره کمینه گردد. در این حالت افزایش چشمگیر نور از بالای پنجره در گاه هایی از روز مزاحم است. از این جهت با کوچک کردن شیشه ها و افزودن قاب ها و گره چینی چوبی هم به سازو واری ارسی کمک می شود و هم از ورود نور از این قسمت تا حدودی جلوگیری می شود. رنگی کردن شیشه ها و بهره بردن از قطعات کوچک آینه نیز به همین جهت است.

3. ته رنگ بنا در مسجد جامع فهرج شبستانی با یک میانسراست. در مسجد جامع یزد تهرانگ گنبدخانه ای با یک میانسرا و تک ایوان رو به گنبد ساخته شده است؛ ویژگی های مسجد جامع فهرج نشان می دهد شیوه ساخت آن خراسانی و مسجد جامع یزد نیز آذری ست؛ بلندای آسمانه در مسجد جامع فهرج تا حد ممکن کوتاه و نزدیک به شیوه پیامبر در ساخت مسجد و در مسجد جامع یزد برخلاف آن بسیار بلند است. هم ورودی و هم گنبدخانه بسیار بلند ساخته شده اند. مسجد جامع فهرج فاقد گنبدخانه است و مسجد جامع یزد گنبدخانه وسیعی با تهرانگ مربع دارد که از یک طرف با ایوان و از طرف دیگر با محراب در ارتباط است. از پهلوا هم به شبستان های شرقی و غربی مرتبط است. گنبد دو پوسته گسسته و گوشه سازی آن اسکنج است.

4. چپیره ها به این گونه ها هستند:



دو گونه اصلی گوشه سازی و شکنج هستند. گوشه سازی ابتدا با پوشاندن هر یک از گوشه ها تهرانگ رابه دایره نزدیک می کند سپس بوسیله چین و شکن های دیگر چند ضلعی بدست آمده را به دایره می رساند. اما شکنج از ابتدا به صورت یکپارچه تمام جزها را به دایره می رساند.

5. شهرسازی تنسته ای: در این گونه شهرسازی شهر از دایره بزرگی تشکیل شده که در محیط آن دروازه هایی به طور منظم قرار گرفته اند، هر یک از این دروازه ها با خیابان هایی که منطبق بر شعاع های دایره هستند با مرکز شهر ارتباط دارند، خیابانی نیز در امتداد دیوار گرداگرد

شهر کشیده شده است. خیابان های شعاعی با خیابان هایی موازی دیوار شهر به صورت دوایری متحدالمرکز به همدیگر متصل شده اند. در مرکز فضاهای عمومی «ارسن» و عبادتگاه قرار گرفته و باقی شهر با محلاتی شامل خانه های مردم، کوچه ها، حمام ها و بازار پوشیده شده است.

شهرسازی پیچازی یا شطرنجی نیز گونه دیگری از شهرسازی ست که از شبکه ای از خیابان های عمود بر هم تشکیل شده است. دیواری پیرامون شهر را فراگرفته که در هر گوشه بارویی در آن تعبیه شده است.

6. در بازار های دو اشکوبه گاهی اشکوب بالا نیز دکانی دیگر بوده که شمار کاربران کمتری داشته، برخی دکان ها نیز بالاخانه ای برای کارگاه یا انبار داشتند در برخی دیگر از بازار ها اشکوب دوم بخشی از پستو راه داشت و در برخی دیگر تنها نیم اشکوبی بین پاچال و اشکوب دوم قرار داشته است.

7. الگوی بنای کعبه زرتشت از کلاوه های اورارتوها گرفته شده است. این الگو از مستطیل کشیده ای تشکیل شده که دو اشکوب دارد. بنا در اشکوب پایین روزنی ندارد و قسمت اصلی آن در اشکوب بالا قرار گرفته است.

8. از چهار طاقی سمت محراب و دو جداره کنار آن بسته شده و حیاطی در جلو قسمت پشت به قبله افزوده شده است. آتش و جایگاه آن از زیر گنبد حذف شده و با استفاده از یک طاق کلمبو خیز طاق ها کم شده تا فضا مردم وار تر گردد.

9. اندام دیگری که مسجد افزوده شد «ایوان» بود. چشمه های تهرانگ شبستانی در الگوی مسجد پیامبر رو به میانسرا گشوده بوده است، اما با توجه به اقلیم ایران بیشتر این چشمه ها بسته شدند، بنابراین ارتباط میان میانسرا و شبستان کمرنگ شد، از طرفی فضای نیمه باز ایوان که از دیرباز در معماری ایرانی وجود داشت و یادگاری از هنر مهری محسوب می شد، همواره محل ارتباط فضاهای بسته و باز در معماری ایران بوده است. بنابراین افزودن ایوان ها به منظور افزایش ارتباط میانسرا با شبستان در میان این بخش به تهرانگ مسجد جامع اصفهان افزوده شد. گنبدخانه نیز که از دیرباز در معماری ایران در آتشکده ها حضور داشت با تبدیل آتشکده ها به مسجد وارد معماری مسجد شد؛ اما در مسجد جامع اصفهان بدست خواجه نظام الملک وزیر ایرانی دربار سلجوقی به مسجد جامع افزوده شد، تا از طرفی تشخیصی برای محراب و بزرگانی که در آن قسمت نماز می خواندند ایجاد کند، و از طرف دیگر در راستای زنده کردن علوم و روش های کهن ایرانی که در دوره سلجوقی آغاز شده بود گام دیگری برداشته شود.

برای این منظور چند ستون اطراف محراب به صورت یک مربع برداشته شد و گنبدخانه ای در آن محل ایجاد شد. برای افزودن ایوان ها نیز چند ستون در اطراف چشمه میانی هر پهلو از میانسرا برداشته شد و چشمه ای با دهانه بزرگ تر و بلندتر به عنوان ایوان بجای آنها ساخته شد.

10. میل مقبره ها آرامگاهی برای سازنده خود یا یکی از افراد برجسته جامعه بودند؛ افزون بر این از بلندای آنها برای نشانه شهری یا راهیابی کاروان ها در بیابان استفاده می شده است.

دلیل سالم ماندن آنها نسبت به دیگر آثار دوره رازی یک این است که خارج از شهر بودند و در جریان نابودی شهرها بوسیله مغولان تخریب نشدند، و دیگر اینکه در دوره های پس از رازی بسیاری از بناهای مهم شهرها مانند مساجد، کاخ ها و مانند آن، با شیوه های پس از آن بازسازی یا نوسازی شدند و یا بناهای دیگری جای آنها ساخته شد، در نتیجه کمتر نشانه ای از آنها باقی مانده است.

11. آسمانه بناها در شیوه آذری بسیار بلند گرفته می شود. ولی در شیوه اصفهانی بناها سازو وار تر و متناسبترند. در شیوه آذری آمود آجر و گچ به تدریج جای خود را به کاشی و سفال مهری می دهد. کاشی با گستره ای از رنگ های آبی و گاهی سبز رنگ آمیزی می شود و بسیاری بخش های بنا فاقد کاشی هستند، ترکیب کاشی و آجر هنوز مرسوم است ولی در شیوه اصفهانی به طور گسترده ای از کاشی بهره برده شد و سایر اندود ها تا حدود زیادی کنار گذاشته شد. کاشی ها تنوع بیشتری در رنگ پیدا کردند، نقوش آنها آزاد تر شد و از نقوش هندسی و پله کمتر بهره می برند.

12. آجرچینی ضریبی سریعتر اجرا می شود و در نتیجه با بهره بردن از آژند(مالات) گچ نیازی به قالب بندی در دهانه های معمولی ندارد، ولی با افزایش فشار از بالا از آنجا که بندهای آجرها در طول طاق در امتداد هم هستند، از همین فاصله رگ های آجر از هم جدا شده و در اصطلاح پرپر می شود در حالی که در آجر چینی رومی این مشکل وجود ندارد ولی ر عین حال مسئله قالب بندی برای آجرچینی رومی ضروری ست.